

حرف درشت

فرق ما توی خارج
و فرق خارج توی ما

پوریا عالمی؛ وقتی من در ۳۵ سالگی معاف شدم و پام به خارج باز شد، نمی‌دانستم زندگی‌ام مثل کثلت از این‌رو به آن‌رو خواهد شد. اول از همه وقتی کارت معافیت گرفتم فهمیدم مسئله خارج‌نرفتن من فقط داخلی نبوده و خارجی هم هست؛ یعنی همان‌قدر که اینها اصرار داشتند تا نرفتی سربازی نمی‌شود بروی خارج، خارج هم همچین منتظر ما نبوده و ویزا بده نیست. خلاصه ما با مصمیمه‌کردن خواهر و مادر و عمه و فیش حقوقی و کارت مترو و سند موبایل و حوله حمام‌مان و فاکتور آخرین خرید علمی‌مان از داروخانه به پرونده سفارت توانستیم ویزا بگیریم. منته‌ا چه ویزایی؟ ویزای چهارساعته مولتی‌شینگن. حالا مسئله اینجاست که تا اروپا شش ساعت راه است و ما در اولین پروازمان به آنجا، بعد از چهار ساعت مجبور شدیم از هواپیما پی‌ریز پایین و شانگکان و سینه‌خیز برگردیم خانه. این رفتار خارجی‌ها با توریست ایرانی خیلی نامردی است. چون تا الان ما هرچی توریست توی ایران گرفتیم نه تنها کت‌وشلوار نو نشان کردیم، بلکه بردیمشان از جلو آشنا شوند و بعد آوردیم توی ۲۰:۳۰ از شان بدون هیچی مصاحبه گرفتیم، یعنی مصاحبه کردیم و در نهایت با این کارهامان کاری کردیم که توریسته وقتی برگشته کشورش، باه‌اش به‌عنوان قهرمان برخورد شده و د بخور بخواب.

اتفاق



• شب نوش‌آفرین انصاری به همت مجله بخارا برگزار می‌شود. در این شب که سه‌شنبه، نهم خردادماه برگزار می‌شود، مهدی محقق‌داماد، ژاله آموزگار، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی، فریا افکاری و علی دهباشی به سخنرانی خواهند پرداخت. او، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر علوم کتابداری و از اعضای شورای کتاب کودک است. راه‌اندازی بخش فنی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از جمله فعالیت‌های اوست. این برنامه نهم خردادماه ساعت ۱۷ در کتاب‌فروشی آینده برگزار می‌شود.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۶ • ۳ رمضان ۱۴۳۸ • ۲۹ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۷۶ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۴ • اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

بیشترین سود فروش خرما را، دلانلن می‌برند



مطالبات

دولتمردان، رندی جامعه کنونی را دریابند

می‌کند و تصمیم می‌گیرد. بر این اساس باید گفت جامعه ما، جامعه‌ای «رند» است؛ مردمی دوراندیش در متن اجتماعی پرده پرده که ترجیح می‌دهد آگاهانه، تهدیدها را به فرصت بدل کند. چنین جامعه‌ای اگر دولتمردانی با چنین مشخصه‌هایی نداشته باشد، اگر دولتمردانی هم‌پا و هم‌اندازه خود نداشته باشد، کارش پیش نمی‌رود. اگر دولتمردان ما این بهار، این تحول فرهنگی و اجتماعی را به جا نیاورند یا باور نکنند، نشان‌دهنده آن است که دارد دوران خود را به اتمام می‌رساند. توقع و مطالبه اصلی جامعه نیز از دولتمردان، همین همراهی و هم‌پایی با چنین تحولی است. چیزی شبیه به بهار در زمین فرهنگ و جامعه رخ داده و کسانی که عادت به فصل زمستان داشته و دارند، اگر دست از پوشیدن لباس گرم برندارند، نمی‌توانند به این خیل نوزایی و شکوفایی این فصل بپیوندند و حرکتی همراه با مردم داشته باشند. جامعه‌ای که در آن صفحات حوادث روزنامه‌ها همچنان پر است از خبرهای تلخ و بازار اخبار بدش،



سیدمحمد بهشتی

مطالبه اصلی جامعه - مبتنی بر نتایج انتخابات اخیر- از دولت دوازدهم و دولتمردان و منتخبان شورای شهر، کشف و درک تحول فرهنگی و اجتماعی است که نمره آن را در همین انتخابات دیدیم. به بیان دیگر باید گفت جامعه امروز ما دیگر آن جامعه قبل نیست؛ جامعه‌ای نیست که در آن حافظه کوتاه‌مدت بسیار ضعیف باشد بلکه در بافت فرهنگی و اجتماعی، بهاری رخ داده و با پدیده‌های تازه در دهه‌های اخیر مواجه‌ایم. جامعه امروز ما جامعه‌ای است که کمتر از پیش، دچار احساسات و سانس‌مانتالیسم می‌شود. جامعه که پیش از این تحت‌تأثیر تبلیغات قرار می‌گرفت، امروز خردمندانه‌تر درباره موضوعات مهم تجزیه و تحلیل

یادداشت

نمی‌توان رسول‌اف را حذف کرد

گیسو فقفوری

ایرانی است که از هر طرف مورد هجمه قرار گرفته است. روزنامه‌هایی به‌راحتی به فیلم‌ساز و فیلم کلماتی نظیر افتضاح، افراد معلوم‌الحال، فیلم‌ساز ضدملی، ابزار تبلیغ علیه ایران و دنبال منفعت از راه حراج آبروی هم‌وطنان‌شان را نثار کردند. البته این شیوه مرسوم است که اگر با داستان فیلم یا اغراق آمیز بودنش مشکل دارند، یا هر نکته دیگری به‌راحتی بر فیلم‌ساز و فیلم و افتخاراتش ایراد وارد می‌کنند - فیلم‌های اصغر فرهادی را یادمان نرفته است - ؛ اما نکته ناراحت‌کننده، گسترش این ادبیات حتی به این‌سو است؛ به روزنامه «شرق». این سؤال برای بسیاری پیش آمده و باقی می‌ماند که چطور یک نفر در مقام نویسنده می‌تواند چنین بنویسد: «ای‌کاش آنها که این‌قدر ناراحت‌اند و کینه به دل دارند، بروند و هم خیال خودشان را راحت کنند و هم مخصوصاً خیال ما را». چگونه به این توانایی حذف افراد از کشور رسیده‌ایم؟ چطور شد

که برخودمان واجب دیدیم از کلماتی استفاده کنیم و حکم دهیم که یک نفر را به‌راحتی از کشورش بیرون کنیم؟ آیا به زمانه‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم به یک ایرانی بگوییم از وطن برو؟ رسول‌اف از جمله فیلم‌سازان ایرانی است؛ فعلاً هم که در ایران فیلم ساخت. با شناختی هم که داریم، قرار نیست واقعا برای اندکی پول ایران را بفروشد یا با «سیاه‌نمایی» جایزه بگیرد. شاید بسیاری معتقدند باید رفتارهای او شبیه محسن امیریوسفی و رضا درمیشیان و حتی کاهانی باشد؛ اگر فیلم نمی‌تواند در ایران اکران شود، باید سکوت کرد و سراغ فیلمی دیگر رفت؛ امیدواریم رضا درمیشیان راه خود را پیدا کند و درگیر «عصبانی نیستم» نباشد. باید بتواند در جشنواره‌های مختلف جهان مورد ارزیابی قرارگیرد. باور کنیم فیلم‌سازی مانند رسول‌اف در تاریخ سینمای ایران می‌ماند، حکم به حذف فیلم‌سازانمان ندهیم.



دسترسی آسان با خانواده بزرگ



جهت کسب اطلاعات بیشتر از شرایط جشنواره «چیدن آرزوها»

به وب‌سایت www.goldiran.ir مراجعه فرمایید.



www.lg.com/ir
www.goldiran.ir

مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۰۲۱-۸۴۷۳۳۳

